

يك نابغه بزرگ ایرانی

دکتر محمد نجم آبادی

دوم آنکه طب را از صورت نظری بیرون آورده بعمل نزدیک ساختند و طب عملی را پدید آوردند.

سوم آنکه علم الامراض را بسط داده بسیاری از بیماریها را که تا آن زمان از نظرها پوشیده بود بعالم طب شناسانند.

چهارم آنکه اثر داروها را از نظر وظائف الاعضا تشریح نمودند.

رازى كسى است كه در ترويج هريك از اين چهار نظر سهم بسزائى داشته و در پيشرفت آئين جديد پزشكى كوشش فراوان به خرج داده است. طب يونان را از صورت قدیم خارج كرد و طب عملی را بنیاد نهاد و این نکته با مراجعه بتألیقات و نوشته های او بخوبی بدست میآید.

پس از وی این سینا و دیگران دنباله اعمال او را گرفته و بر همان راه رفتند و پزشکی که در مغرب زمین از این افکار پیروی کردند به «آرایست» معروف شدند و تا اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی در جامعه پزشکی طرفدار داشته اند.

از ایشرو باید دریافت که رازی نیروی حذاقت و استادی که در علم طب نشان داد عقاید و افکار طبی خود را با شیوه ای بسندیده و طرزى مطلوب بمغرب زمین گشاید و چنان در قلب مردم این سامان جایگیر ساخت که جمیع مورخین اروپائی با اشتیاق آثار کرایهای وی «رازى» را نابغه زمان دانسته اند و طب قرون وسطی حتی قسمتی از قرون جدید را مرهون زحمات او و امثال این سینا شمرده اند تا آنجا که بعضی از مورخین درباره رازی چنین گفته اند: «نام رازی و این سینا در قرون وسطی در عالم مسیحیت بیش از مشرق زمین مشهور بوده است».

دیگر از فضیلت های بزرگ رازی شیوه تدریس اوست که شاید با روش تدریس امروز تفاوتی نداشته باشد.

رازى در ده قرن پیش این روش را جهت استفاده محصلین و طالبان علم طب برقرار نمود و در آن عصر مقبول عموم دانشمندان واقع گردید.

طرز تدریس و راه تشخیص ناخوشی وی بدینگونه بود که خود در صدر مجلس درس می نشست و شاگردان بر حسب رتبه علمی زیر دست او جای می گرفتند هنگام ورود بیمار تازه نخست شاگردان درجه آخر به تشخیص ناخوشی او میپرداختند اگر آنها از شناختن بیماری فرو میماندند دسته بالاتر بمعاینه بیمار مشغول میشدند همین ترتیب تا نوبت با استاد می رسید که مرض را تشخیص میداد و در ضمن از نوع بیماری و عوارض آن و اشاراتی که از این مقوله در کتب خود آورده سخن میراند و هیچ دقیقهای را فرو نمیگذاشت.

رازى با این اسلوب طریقه نوبی را در تدریس پزشکی بوجود آورد و پس از

در شماره پیش وعده دادیم که بقیه خصائص رازی «نابغه بزرگ ایرانی» را از نظر خوانندگان گرامی مجله ایران امروز بگذرانیم اینک در اصل مطلب وارد میشویم:

۱- رازی و آزمایشهای رازی از نخستین کسانی است که تجربه و آزمایش را در علم پزشکی وارد کرد باین معنی که طب تا زمان وی بر طبق عقاید جالینوس و بقراط رواج داشت و در نزد قاطبه پزشکان محترم بود. ایشان عموماً قدمی از افکار قدما فراتر نمیگذاشتند و کاملاً بر حسب دستور و تجویز پیشینیان رفتار میکردند. رازی باین بدعت دیرین پشت پا زد و طریقه نوبی پیش گرفت یعنی آنچه را که با تجربه سازگار بود و در گاه آزمایش صحیح بنظر میرسید بکار برد و شیوه تجربه و عمل را با قواعد نظری طب بیامیخت.

چنانکه خود نیز درین باره میفرماید: «آنچه را که پزشکان بر آن متفق القول باشند و با قیاس منطبق شود و تجربه نیز آنرا تقویت نمکاید باید بیوسته پیش چشم گذاشت همچنین عکس این موضوع را».

همو فرماید: «بر پزشک لازم است علاوه بر تجارب و قواعد کلی و قیاس از قرائت کتب قدما نیز دست بردارد در غیر اینصورت پزشک حاذق نخواهد بود».

در جای دیگر فرماید «تجربه نیکوتر از علم است» در اثر واجد بودن این فضایل است که مورخین رازی را پزشک عادی نمیدانند بلکه بر ایشان «مُجَرَّب» (آزمایش کننده) می شناسند.

کامیل انگلیسی در کتاب خود که در پیرامون «طب عرب و نفوذش در قرون وسطی» نوشته است میگوید: «مقام رازی در پزشکی بدان پایه بود که حتی معالرش ویرا «مُجَرَّب» لقب داده اند».

رازى در سابقه تجربه و آزمایشی که در دوران تصدی خود در بیمارستانهای ری و بغداد بکار بست بسیاری از عقاید خشک پیشینیان و علمای زمان را باطل نمود و در برابر افکار آنان بیماریارزه پرداخت و مکتب جدیدی بگشود که پس از گذشت وی چندین قرن در جهان طبابت مورد استفاده بود.

سگواهی اغلب مورخین مغرب و مشرق نکته ای که مقام بلند رازی را دو چندان میسازد آنستکه وی عقاید بقراط و جالینوس را هنگام عمل خود در بیمارستانهای ری و بغداد تحت مطالعه عمیق و دقت نظر قرار داد و آن قسمت را که با اصول تجربی موافقت داشت بپذیرفت و باقی را مردود نمود.

در اینجا شایسته است که مناسب مقام توجه خوانندگان را به نکته ذیل معطوف داریم که پزشکان اسلامی خاصه ایرانیان چهار خدمت بزرگ بجهان پزشکی کرده اند:

نخست آنکه طب پراکنده و مشوش تا زمان خود را مرتب و مدقون ساختند.

وی این روش‌یستندیده پزشکان واقع شد و با دست آنان بمورد عمل درآمد.

کتاب و رسائل رازی در کمال وسعت نظر تنظیم یافته و اهمیت کتب رازی و محصول آزمایشگاهی است که در دوران پزشکی خود در بیمارستان ابدوخته و اغلب حاکی از اعمال گوناگونی میباشد که خود بر سر بیمار آزمود است بنا بر این میتوان دریافت که تا چه پایه در تدوین معلومات و ذخایر تجربه خود رنج کشیده است.

بزرگترین تألیف وی کتاب 'حای' است که از روی یادداشت‌های استاد پس از مرگش تنظیم یافته و بصورت کتابی درآمد است.

از طرف دیگر در جمع پزشکان اسلامی ایرانی بندرت کسی را میتوان یافت که بیابان وی رنج تألیف را بر خود همواره کرده و این همه آثار نفیس از خود بیادگار گذاشته باشد.

بدین سبب بود اروپائیان هنگامی که خواستند نخستین بار از خرمن فضایل پزشکان اسلامی خوشه چینی کنند و در صد اقتباس از طب مشرق بر آیند همیشه بکتاب گرانمایه رازی برخوردند با اعجاب تمام بر مجموعه تألیفات وی تکیه کردند و از این رهگذر فایده شایان بردند.

شهرت نام رازی در کشور های اروپا باعث آمدن کتب اطباء فرنگ در فاصله قرن دهم میلادی تا قرن شانزدهم در صد ترجمه و اقتباس از کتب وی بر آیند و برای کسب معلومات بیشتر بکشورهای اسلامی مسافرت کنند.

نخستین بار کتاب حای وی در شهر برشیا از شهرهای ایتالیا شمالی زبان لاین ترجمه گردید و در دو مجلد بطبع رسید (۱۴۸۶ میلادی) و پس از آن مکرر در وینز ایتالیا در سالهای ۱۵۰۹ و ۱۵۴۲ بنام 'گشتینسن رازیس' طبع شده با اشغال اکنون نسخه این ترجمه بسیار کمیاب است.

همچنین مقداری از مجلدات حای را مترجم معروف کتب اسلامی موسوم به 'ژرار دو کرمن' ترجمه کرده است و این همان کسی است که منصوره رازی و قانون بوعلی سینا و کتاب جراحی ابوالخسب را نیز ترجمه کرده است. مقاله اول کتاب منصوره رازی در سال ۱۹۰۳ میلادی در لندن بتوسط دو کتینگ در مجموعه ای بسم 'به کتاب تشریح عربی' چاپ شده است.

ترجمه این کتاب چنانکه گفته شد توسط ژرار دو کرمن بعمل آمده است. در دائره المعارف اسلامی در باب کتب این دانشمند چنین اظهار عقیده شده است: 'آن مقدار از کتابهای رازی که به لائینی ترجمه گردیده تا قرن هفدهم میلادی اهمیت و اقتدار خود را از دست نداده است.'

۶- رازی از مزایا و مختصاتی که عموم مورخین برای رازی قائل و آبله و سرخه شده اند آنکه پزشک ایرانی اول کسی است که شرح و بسط دو بیماری آبله و سرخه را با دقت فوق العاده نوشته است. رازی اول پزشکی است که توضیحات و شرح لازم و دقیقی از علائم

و آثار و عوارض و معالجات دو بیماری نامبرده بیان داشته و کتابی برای این دو بیماری بنام 'کتاب سرخه و آبله' تألیف نموده و در آن بخوبی از عهده توصیف آبله و سرخه بر آمده است. بیشتر تذکره نویسان و مورخین اروپائی که تاریخ طب را برشته تحریر در آورده اند و برانخت پزشکی میدانند که با طرز مطلوب و پسندیده و بر طبق روش نابی از دوناخوشی فوق الذکر بیان مطلب نموده است.

رازی در کتاب خود برای اولین دفعه از امراض عفونی صحبت میدارد و در باب آبله دو قسم بیماری قائل میشود:

نخست آبله حقیقی دوم آبله مرغان و هر دو ناخوشی را با علائم و آثار و تشخیص کلینیکی نگاشته و بیشتر از هر چیز توصیه نموده که در مدت تب قلب، نبض، تنفس، اجابت مزاج و ادرار بیمار می بایست مورد دقت باشد.

او معتقد بوده که درجه حرارت ملایم برای مریض بشورات را بهتر بیرون میریزد و مانند معالجات امروزی که چشم و سورت و دهان و گوش و سوراخ های بینی را از خطرات آبله و جای آبله محفوظ و مسون میدارند توصیه می نماید که آنها را حفظ کنند و بدین مناسبت دستور شست و شو و چکاندن ادویه خاصی را برای محافظت آنها میدهد.

کتاب آبله و سرخه از نظر بیان علائم و تشخیص کلینیکی و معالجه در مقام خود بزرگترین کتابی است که تا قرن هفدهم در باب این دو ناخوشی نگاشته شده و معلومات و اطلاعات جدید و معاصر تغییر بزرگی در آن نداده است و این امر پایه و مقام این پزشک بزرگ ایرانی را میرساند.

بعقیده نوی بزرگ آلمانی کتاب فوق یکی از بزرگترین کتب است که راجع به آبله نوشته شده و نشان میدهد که رازی از پزشکانی است که از روی عمل و تجربه کار میکردند و در تاریخ اپیدمیولوژی مقام مهمی را داراست.

رازی در کتاب خود شیوع آبله را بیشتر در اواخر پائیز و اوائل بهار و در اطفال بیشتر از اشخاص مسن میداند و گوید هر گاه آبله و قور یا بدبیر مردان کمتر بدان مبتلا شوند.

علائم آنرا بدین شکل بیان میکند: 'قبل از ظهور بشورات تب شدید، درد فوق العاده در پشت، سوزش در بینی، هذیان در موقع خواب پیدا میشود و پس از آن بیمار حس خارش مینماید، گویا بسیار قرمز و متنفخ و چشمها سرخ میگردد، بیمار در تمام بدن احساس سنگینی مینماید، سپس خمیازه و ریزش آب از بینی و سرفه و درد کلو و سینه و اشکال تنفس و خشکی دهان و سنگینی و درد سر و تهوع و بی‌تابی و اضطراب احساس مینماید.

رازی یادداشت میکند که تشویش و اضطراب و تهوع در آبله مرغان پیش از آبله میباشد در صورتیکه درد پشت از صفات مشخصه بیماری آبله است.

پس از آنکه دانه ها نمایان شد مبیاست در درجه اول چشمها و

سیس بینی و گوشها را خیلی مواظب بود، این دانه ها که ابتدا سفید رنگ و کوچک میباشند ممکن است مجتمع و سخت شوند و اگر مرض پس از بروز آنها احساس راحتی نماید و حالتش بطرف سختی سوق نماید علامت مرگه میباشد.

ناولها بیگانه رنگ آنها سیاه و یا مایل بسبزی باشند بسیار خطرناک و هر قدر از سیاهی دور باشد خوش عاقبت تر است.

پس از آنکه ناولها پیدا شدند تب بالا میرود هر گاه پیش قلب شدید برای مرض پدیدار گردد علامت بدی است.

رازی بسیار اصرار دارد که در هر يك از ادوار بیماری مبیایست معالجه مخصوص بآن دوره را مجری داشت، قبل از ظهور بشورات دانه ها باید تسریع در بیرون زدن آنها بعمل آید، پس از ظهور آنها مواظبت کامل از چشمها و سوراخهای بینی و منسلها و گلو بشود.

اطلاق مرض را توصیه مینماید که خنك و معتدل باشد و با مواد واغذیه که حرارت را کم کند بیمار را غذا دهند بنابرین مطبوع عدس، شیر، مرغ آبغوره زده، آب چشمه، میوه های ترش و یا ملبوخ این میوجات را برای بیمار تجویز مینمود که از شدت بشورات کم کند زیرا که عقیده داشت ترشحات از شدت بیماری میکاهد و مرض را از ذات الجنب و ورم گلو مسون میدارد.

برای مرض حمام و شستشوی با آب سرد تجویز مینمود. غیر از احتیاطهای فوق جمیع احتیاطات لازمه دیگر را نیز بیان میدارد چنانکه باید اقرار داشت معالجات رازی باطرز فعلی تفاوت بسیار نداشته و اصول تدایر امروزی با هزار سال قبل که این نایبه ابرائی مجری میشدند بسیار زیاد تفاوت ندارد.

علامت و اشکال مختلفه و تقدمه المعرفه که برای آبله بیان میدارد میتوان گفت همان است که حالیه در کتب علم الامراض منبسط میباشد. انتقال بیماری آبله و رازی از راه سرایت بگاوگرمی و آرزاء خون توسط مختصر مخصوص که از مادر به جفت و از آنجا به جنین میرسد میداند.

این مختصر در جریان خون وارد شده و مواد مضره از خود خارج نمیشود

و از آن پس شخص به آبله مبتلا میشود و ممکن است نیز بدبکران سرایت نماید و بدین سبب بوده که رازی سرایت آبله را بدبکران قائل بوده است.

حال اگر این عقیده را با علت امروزی مطابقت نمائیم و بجای مختصر مثلاً با کتری و با ویروس گذاریم می بینیم که فرض هزار سال قبل رازی امروز نیز قابل قبول میباشد (رجوع شود بکتاب تاریخ طب تألیف چارلز کریست کمستون ۵۰۴. ترجمه مادام دیسیان دوفلوران).

برای جلوگیری از آبله و ضرر آن بچشمها دو نوع دارو داشته که بچشم میریخته و برای جلوگیری از بیماریهای چشم چه در حین ناخوشی و چه در مواقع چشم درد های عادی استعمال مینموده است:

اولی با آب گل سرخ و بعضی مواد دیگر، دومی يك نوع سرمه از ایتیمون و صبر زرد ترکیب مینموده که بچشم میریخته است.

در سرخچه (سرخك) علامت را بدین طریق بیان میدارد:

«چشمها پر آب، گونه ها متنفخ، در تمام بدن حرارت خشکی با چهره افروخته دیده میشود، پوست بدن و لثه ها نیز سرخ میشود، بشورات سرخك عموماً در روز های سوم ظاهر میگردد و ممکن است روز اول و دوم نیز هویدا گردد».

رازی عواقب این بیماری با جمیع خصوصیات و بشورات يك يك را تحت معالجه دقیق اقرار داده میگردد:

«اگر بشورات سفید و بهن و خفیف و کم باشند مرض خوش عاقبت است، ولی هر قدر بنفش و سیاه باشد عاقبت وخیم دارد و مخصوصاً مبیایست فرجام و تقدمه المعرفه کسالت را در موقعیکه رنگه بشورات بطرف سیاهی میرود و مجتمع است در نظر داشت».

بهاور کلی عموم دانشمندان و محققین شرق و غرب بخصوص پزشکان مغرب زمین مزایائی برای دانشمندان ایرانی قائل میباشدند که در بالا بیان گردید و معتقدند که در طرز نگارش و شرح و بحث و ترتیب صحیحی که این پزشک نامی در طی بیماریها بخصوص در دو بیماری آبله و سرخك بیان داشته می نماید میباشد.

